

## مواضع مردم در مواجهه با قیام حسین(ع) و نهضت مهدی(عج)

در روز دوم محرم، امام حسین(ع) و یارانش به کربلا وارد شدند؛ در حالی که مقصد ایشان، کوفه بود. در حقیقت، بی‌وفایی و سرپیچی کوفیان از امر ولیّ خدا باعث شد که سفر ایشان، ناتمام بماند و پایانی تلخ و غم‌بار پیدا کند.

مردم کوفه در زمان امام حسین(ع) به سه گروه تقسیم می‌شدند. گروهی - چون سلیمان بن صرد خزاعی، رفاعه بن شداد و حبیب بن مظاهر- کسانی بودند که برای امام حسین(ع) نامه نوشتند و آن حضرت را به کوفه دعوت نمودند. آنان پس از آن که از ماجرای محاصره امام، مطلع شدند، به هر وسیله و شرایطی که بود، خود را به او رسانده و تا آخرین نفس، در کنار او ماندند تا به شهادت رسیدند.

گروهی دیگر- چون شبث بن ربعی، حجار بن ابجر، یزید بن حارث، قیس بن اشعث و عمر بن حجاج زیدی - نیز به مانند گروه اول، برای امام حسین(ع) نامه نوشتند و ایشان را به کوفه دعوت نمودند؛ اما پس از ورود ابن زیاد به کوفه، تمام عهد و سوگندهایی که در نامه‌هایشان نوشته بودند را فراموش کردند و به ابن زیاد پیوستند. اینان، بندگان دنیا بودند<sup>۱</sup> و مبنای اطاعتشان، رسیدن به منافع دنیوی بود؛ به گونه‌ای که هر کس ذره‌ای از آن را داشت یا به آن‌ها وعده آن را می‌داد، بندگی می‌نمودند.<sup>۲</sup> لذا تا زمانی که شرایط به نفع امام حسین(ع) بود، خود را در خیل نامه‌نگاران قرار دادند؛ اما با آمدن ابن زیاد، از این فرقه برون آمده و خرقة و لباس جنگ با حسین(ع) را به تن کردند.

گروه دیگر، تماشاچیان بی‌تفاوتی بودند که به زعم خود، در جانب بی‌طرفی قرار می‌گرفتند؛ اما در حقیقت، شیطان آنان را فریفته بود و با سکوت خود، به دشمن، یاری می‌کردند.

نه تنها در مورد مردم کوفه، که این تقسیم‌بندی، به تمام انسان‌ها تعمیم پیدا می‌کند. چنان‌چه امام صادق(ع) فرمود: «افْتَرَقَ النَّاسُ فِينَا عَلَى ثَلَاثِ فِرَقٍ فِرْقَةُ أَحِبُّونَا أَنْتِظَارَ قَائِمِنَا لِيُصِيبُوا مِنْ دُنْيَانَا فَقَالُوا وَ حَفِظُوا كَلَامَنَا وَ قَصَرُوا عَنْ فِعْلِنَا فَسَيَحْشُرُهُمُ اللَّهُ إِلَى النَّارِ وَ فِرْقَةُ أَحِبُّونَا وَ

1. «النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعْنٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ؛ مردم بنده دنیابند و دین، لقلقه زبانشان است. تا جایی که دنیا باشد، هستند و هرگاه به بلایا امتحان شوند، دین‌داران کم می‌شوند». بحار الأنوار، ج 44، ص 382.

2. «قَدْ خَرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ وَ أَمَاتَتْ الدُّنْيَا قَلْبَهُ وَ وَلِهَتْ عَلَيْهَا نَفْسُهُ فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَ لِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا؛ شهوات، عقل او را زایل کرده و دنیا، قلبش را میرانده و واله و حیران دنیا است. او بنده دنیا و هر کس که ذره‌ای از آن را داراست، می‌باشد». شرح نهج البلاغه، ج 7، ص 200.

سَمِعُوا كَلَامَنَا وَ لَمْ يُقَصِّرُوا عَنْ فِعْلِنَا لِيَسْتَأْكِلُوا النَّاسَ بِنَا فَيَمْلَأُ اللَّهُ بُطُونَهُمْ نَاراً يُسَلِّطُ عَلَيْهِمُ الْجُوعَ وَالْعَطَشَ وَ فِرْقَهُ أَحَبُّونَا وَ حَفِظُوا قَوْلَنَا وَ أَطَاعُوا أَمْرَنَا وَ لَمْ يُخَالِفُوا فِعْلَنَا فَأَوْلَيْكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ<sup>3</sup>؛ مردم در قبال ما سه گروهند: گروهی، ما را دوست دارند و منتظر قائم (عج) ما هستند تا به منافع دنیوی اش برسند. اینان، سخن ما را حفظ و روایت می کنند اما به دستورات ما عمل نمی نمایند. اینان اهل دوزخند و خدا آن ها را به جهنم خواهد فرستاد. گروه دوم نیز ما را دوست دارند؛ سخن ما را می شنوند و در عمل به سخنان ما هم کوتاهی نمی کنند؛ اما هدفشان رسیدن به دنیا و دریدن مردمان است. پس خداوند، شکم ایشان را از آتش، پُر و بر آن ها گرسنگی و تشنگی را چیره می کند. گروه دیگری نیز هستند که ما را دوست دارند، سخن ما را حفظ و از دستورات ما اطاعت می کنند و در مقام عمل، با ما مخالفت نمی ورزند. اینان از ما هستند و ما از آنانیم».

سخن این جاست که ما از کدام دسته ایم؟! آیا جزو کسانی هستیم که اهل بیت (ع) را دوست می دارند اما به دنیا دلبسته و وابسته اند؟ چونان کوفیانی که قاصدان، شرح حالشان را این گونه به امام دادند: «**قلوبهم معک و سیوفهم علیک**؛ قلب هایشان با تو و شمشیرهایشان بر توست»؟! آیا بی طرفان بی تعهدیم یا پا در رکابان مخلص؟!

تا زمانی که موضع خود را در قبال امام زمانمان مشخص نکرده ایم، ظهور آن حضرت ناممکن است؛ چراکه زمانی جهان برای ظهور فرزند حسین (ع) مهیاست که تفکر صحیحی چون تفکر مسلم بن عوسجه بر جهان حاکم شود؛ آن گاه که در لحظات آخر عمرش به حبیب بن مظاهر وصیت کرد: «**فإني أوصيك بهذا و أشار إلى الحسين ع فقاتل دونه حتى تموت**»<sup>4</sup>.

3. بحار الأنوار، ج 75، ص 380.

4. دلائل الإمامة، ج 74، ص 4.

5. الهوف، 102.